

## بازشناسی کتاب «مقاتل الطالبین» انگیزه‌ها و منابع مؤلف در تدوین آن

Ranjbar@qabas.net


mari.meydani@gmail.com

mahdiyaghoobi83@gmail.com

محسن رنجبر / دانشیار گروه تاریخ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی \*

مریم میدانی / دانشجوی دکتری فرق تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب

مهدی یعقوبی / دکتری تاریخ اسلام مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی \*

 orcid.org/0000-0003-1558-8962

دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۸ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹

### چکیده

«مقاتل الطالبین»، تألیف ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ق) از منابع متقدم است. هدف کتاب معرفی قیام‌کنندگان از نسل ابوطالب در ایام حکومت امویان و عباسیان بوده است. قدمت این منبع در تاریخ تشیع و مؤلف اموی‌نسب آن، توجه مورخان را به خود برانگیخته است. مسئله این است که آیا وی گرایش‌های مذهبی و خانوادگی را در نگارش کتاب دخالت داده و قابل اعتماد است؟ نیز مؤلف در نقل اخبار، از چه افراد و منابعی بهره برده است؟ تحقیق پیش رو با مطالعه منابع کتابخانه‌ای و تحلیل آنها سامان یافته است. نتیجه آنکه ابوالفرج اصفهانی شخصی با علائق شیعی و پیرو مذهب زیدیه بوده است. نقش مذهب وی در کتاب مشهود است. کتاب به سبب نقل اخباری که منابع اصلی آنها امروزه از بین رفته، اهمیت ویژه دارد. نیز توجه مؤلف به نقل دقیق و ذکر بیشتر اسناد و استفاده از منابع و استادان متعدد در تألیف این کتاب، آن را به اثری قابل اعتماد تبدیل کرده است.

کلیدواژه‌ها: ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، طالبیان، شیعه، زیدیه.

مطالعه تاریخ اسلام بی‌مراجعه به منابع تاریخی امکان‌پذیر نیست و برای اطلاع از گزارش‌های صحیح تاریخی و مراجعه به منابع معتبر، نیازمند شناخت دقیق آنها هستیم. اهمیت اولین کتبی که حوادث تاریخ اسلام را گزارش کرده‌اند بر کسی پوشیده نیست. در آغاز عصر تدوین، در اواخر قرن اول هجری، مورخان حوادث تاریخی را به صورت تک‌نگاری می‌نگاشتند. این بعد از آن بود که به مرور زمان و با گسترش و تحول دانش تاریخ‌نگاری، کتاب‌ها به صورت تاریخ عمومی و سالشمار تدوین شد.

در میان منابع متقدم، کتاب *مقاتل الطالبیین*، نوشته *ابوالفرج اصفهانی* به نوعی با شیوه تک‌نگاری در محدوده تاریخ اسلام و شیعه در نیمه اول قرن چهارم هجری نگاشته شده است. اهمیت کتاب مزبور از آن‌روست که قدیمی‌ترین متن موجود در موضوع خود به شمار می‌رود که بر جای مانده، و گزارش‌های مهمی از اخبار قیام‌ها و مواضع سیاسی افراد برجسته در خاندان *ابوطالب* را دربر دارد.

*ابوالفرج* از نسل امویان بود. با این حال انگیزه تألیف این کتاب توسط او و نمود تفکرات و اندیشه‌های زیدی در تألیف وی، نگارنده این تحقیق را بر آن داشت تا به بررسی دقیق‌تر این کتاب بپردازد. همچنین در این بین، یافتن شواهدی بر تفکرات موافق با مذهب زیدیه از جانب مؤلف، از جمله اولویت‌های متن پیش‌روست. گذشته از این، بررسی و معرفی مؤلف کتاب، شناخت جایگاه علمی و مذهبی او، نوع گزارش‌های تاریخی و پردازش مطالب، و منابعی که مؤلف از آنها بهره برده، مطالب مهمی است که این مقاله در پی بررسی آن است. در کنار این، به دنبال پاسخی گویی به این سؤال است که مذهب مؤلف چه تأثیری در تألیف این کتاب داشته است؟

در تحقیقات معاصر، محققان عرب‌زبان اهتمام بیشتری به تحقیق درباره *مقاتل الطالبیین* داشته‌اند. از آن جمله است:

– *منهج أبي الفرج الاصفهانی فی کتاب الاغانی فی دراسة النص والسيره*، نوشته *داود سلوم* (۱۹۳۰):

– *ابوالفرج الاصفهانی، عصره، سيرة حياته، مؤلفاته*، نوشته حسین عاصی (۱۹۹۳).

به زبان فارسی نیز مقالات ذیل درباره این کتاب نگاشته شده است:

– *آذرتاش آذرنوش با همکاری علی بهرامیان*، ذیل مدخل «*ابوالفرج اصفهانی*» در *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، به معرفی کتاب مزبور پرداخته است.<sup>۱</sup>

– پرویز عادل در دو صفحه (*کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ۱۳۷۸) به بررسی ترجمه فارسی این کتاب پرداخته است که نکاتی درباره خود کتاب دارد.<sup>۲</sup>

– *آذرانجم‌شعاع و دیگران*، مقاله «تاریخ‌نگاری ابوالفرج اصفهانی در *مقاتل الطالبیین*»، چاپ شده در نشریه

۱. آذرتاش آذرنوش، *ابوالفرج اصفهانی، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۶ ص ۱۲۶-۱۳۸.

۲. پرویز عادل، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ص ۴۷-۴۸.

تاریخ و تمدن اسلامی (ش ۴۰، ۱۴۰۱):<sup>۱</sup>

- محسن رفعت و محمدکاظم رحمان ستایش، «روایات عاشورایی مقاتل الطالبیین ابوالفرج اصفهانی در میزان نقد و بررسی»، چاپ شده در نشریه علوم حدیث (ش ۷۶، ۱۳۹۴):<sup>۲</sup>

- علی احمدی، «مرویات ابن عقده در مقاتل الطالبیین»، چاپ شده در نشریه کتابگزار (ش ۳ و ۲، ۱۳۹۵):<sup>۳</sup>

بنابراین اهمیت این منبع تاریخی از یک سو و بازشناسی محتوایی آن و نیز شناخت مؤلف و منابع او در نقل تاریخ و بروز اندیشه‌های مذهبی وی در این کتاب از سوی دیگر، انگیزه اصلی نگارش متن پیش روست.

## ۱. شناخت مؤلف

علی بن الحسین بن محمد بن أحمد بن الهیثم بن عبدالرحمن بن مهران بن عبدالله بن مروان بن محمد بن مروان بن الحکم بن ابی‌العاص بن امیه بن عبد شمس بن عبد مناف،<sup>۴</sup> معروف به «ابوالفرج اصفهانی» نام کامل مؤلف مقاتل الطالبیین است. وی در سال ۲۸۸ق متولد شد و در ۱۴ ذی‌حجه سال ۳۵۶ق<sup>۵</sup> در بغداد وفات یافت. اصالت وی به اصفهان می‌رسد، ولی در بغداد رشد یافت و در همان شهر درگذشت.<sup>۶</sup> نکته جالب اینکه ابوالفرج از خاندان اموی بود و نسب او با هفت واسطه به مروان بن محمد (آخرین حاکم اموی) می‌رسد.

### ۱-۱. مذهب

در نگاه اول به خاندان ابوالفرج و اینکه وی از امویان است، این مطلب به ذهن می‌رسد که - دست‌کم - وی از مخالفان اهل بیت علیهم‌السلام است. اما نگارش مقاتل الطالبیین که درباره سادات طالبی مخالف بنی‌امیه و بنی‌عباس است، این نظر را از ذهن دور می‌کند. با این حال نظرات مختلفی درباره مذهب ابوالفرج وجود دارد. منابع اولیه درباره مذهب او اظهار نظری نکرده‌اند.<sup>۷</sup> از میان عالمان شیعه، شیخ طوسی،<sup>۸</sup> ابن داود،<sup>۹</sup> علامه حلی<sup>۱۰</sup> و ابن شهرآشوب<sup>۱۱</sup> وی را زیدی مذهب دانسته‌اند. اما ابن کثیر از بین اهل سنت و شیخ حر عاملی از میان شیعیان، وی را با لفظ «کان

۱. آذر انجم شعاع و دیگران، تاریخ و تمدن اسلامی، تاریخ‌نگاری ابوالفرج اصفهانی در مقاتل الطالبیین، ص ۵۵-۷۸.

۲. محسن رفعت و محمدکاظم رحمان ستایش، «روایات عاشورایی مقاتل الطالبیین ابوالفرج اصفهانی در میزان نقد و بررسی»، ص ۱۶۰-۱۸۹.

۳. علی احمدی، «مرویات ابن عقده در مقاتل الطالبیین»، ش ۲ و ۳، ص ۱۱۱-۱۲۲.

۴. محمدبن اسحاق ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۲۷؛ یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۱۳، ص ۹۴-۹۵.

۵. همان.

۶. ابن خلکان، وفيات الأعیان و أبناء أبناء الزمان، ج ۳، ص ۳۰۷.

۷. محمدبن اسحاق ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۲۷-۱۲۸.

۸. محمد بن حسن طوسی، الفهرست، ص ۲۸۰.

۹. حسن بن علی بن داود حلی، رجال، ص ۲۸۰.

۱۰. سید محمدحسین حسینی جلالی، فهرس التراث، ج ۱، ص ۳۹۸.

۱۱. ابن شهرآشوب، معالم العلماء، ص ۱۴۱.

شیعاً<sup>۱</sup> خطاب نموده‌اند. نیز خطیب بغدادی<sup>۲</sup> و ابن جوزی<sup>۳</sup> با تعبیر «و کان یتشیع» از مذهب ابوالفرج یاد کرده‌اند. به هر حال آنچه به قطع می‌توان ادعا کرد این است که ابوالفرج به‌رغم اینکه از نسل امویان بوده، ولی از نظر فکر و مذهب، تفکرات و علایق شیعی داشته است. بر این ادعا می‌توان شواهدی را ذکر کرد:

یکم. اشاره خود مؤلف که نشان از وجود مذهب شیعه در خاندان وی دارد. ابوالفرج در معرفی طالبیان عصر مکتفی عباسی، اشاره می‌کند که سادات طالبی (از جمله نواده زید بن علی) نزد جدش، محمد بن احمد، اجتماع کرده بودند.<sup>۴</sup> با توجه به دشمنی بنی‌عباس با علویان، کسی غیر از شیعیان جرئت هم‌نشینی با آنها را نداشت.

دوم. تألیف خود **مقاتل الطالبیین**، که سراسر آن اخبار شیعیان و مخالفان امویان و بنی‌عباس است. این کار تنها از شخصی برمی‌آید که یا شیعه باشد یا - دست کم - علایق شیعی داشته باشد.

سوم. اینکه وی بخش زیادی از عمر خود را در دستگاه دولت آل‌بویه که شیعه بودند، گذراند. ابوالفرج سال‌ها در کنار مهبلی، وزیر آل‌بویه بود و نیز با دولت شیعه حمدانی مراد داشت.<sup>۵</sup>

با توجه به انشعاب شیعه، اینکه ابوالفرج اصفهانی پیرو کدام مذهب شیعه بوده، از موارد قبل چیزی به دست نمی‌آید. آیا او شیعه اثناعشری بوده است، یا زیدی و یا اسماعیلی؟ این موضوع هنوز محل ابهام است. مطالعه و بررسی گزارش‌های **مقاتل الطالبیین** قرآینی به‌دست می‌دهد که نشان از وجود گرایش‌های زیدیه در ابوالفرج دارد:

الف. زیدیه اصلی‌ترین ویژگی امام زمان را در هر عصر «قیام به سیف» می‌دانند.<sup>۶</sup> مؤلف از میان سادات و طالبیان، تنها به سرگذشت افرادی اشاره کرده است که به سبب فعالیت‌های سیاسی و قیام‌ها کشته شده‌اند،<sup>۷</sup> به‌گونه‌ای که به نظر می‌رسد ابوالفرج قصد معرفی بزرگان زیدیه را داشته است.<sup>۸</sup> این مطلب دلیل محکمی بر وجود عقاید زیدی در ابوالفرج است.

ب. برخی از تعبیراتی که ابوالفرج در کتاب خود درباره قیام‌کنندگان به‌کار برده، نشان‌دهنده زیدی‌بودن اوست. برای نمونه، وی در بخش معرفی محمد بن عبدالله (نفس زکیه)، وی را برترین فرد اهل زمان خود در میان اهل بیت علیهم‌السلام معرفی می‌کند: «و کان من افضل اهل بینه، و اکبر اهل زمانه فی زمانه، فی علمه بکتاب الله و حفظه له

۱. ابن‌کثیر، البدایة و النهایة، ج ۱، ص ۳۹۸.

۲. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۳۹۹.

۳. ابن جوزی، المنتظم، ج ۱۴، ص ۱۸۵.

۴. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، تحقیق احمد صقر، ص ۵۴۷.

۵. همان، ص ۵-۶.

۶. محمدین محمدین نعمان مفید، اوائل المقالات، ص ۳۹.

۷. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، تحقیق احمد صقر، ص ۳۹.

۸. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، تحقیق علی‌اکبر غفاری، مقدمه محقق، ص ۷-۸.

و فقهه فی الدین...<sup>۱</sup> این در حالی است که نفس زکیه در عصر امام صادق علیه السلام قیام نمود. از این رو اعتقاد مزبور با آنچه شیعه اثنا عشری بدان باور دارد، کاملاً مخالف است. به باور شیعه اثنا عشری، امام در هر عصر، حجت خدا روی زمین و جانشین رسول خداست و بالاترین مقام علمی و معنوی را روی زمین دارد.<sup>۲</sup>

ج. ابوالفرج در معرفی ائمه معصوم علیهم السلام تنها تا زندگی امام رضا علیه السلام را بررسی کرده است و از امامان بعد از ثامن الائمه علیه السلام نامی به چشم نمی‌خورد. این در حالی است که به تصریح مؤلف، نگارش کتاب مزبور به سال ۳۱۳ق به اتمام رسیده است.<sup>۳</sup> به گواه تاریخ و تصریح مورخان اثنا عشری (همچون شیخ مفید) امام محمد تقی علیه السلام، امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام از جمله بزرگان سادات زمان خود بودند که به خاطر فعالیت‌های سیاسی دائم تحت نظر حکومت عباسی قرار داشتند و در نهایت، به دست حاکمان به شهادت رسیدند.<sup>۴</sup> هر چند این قرینه تنها غیر امامی بودن و عدم اعتقاد به امامت سه امام مذکور را در مؤلف کتاب اثبات می‌کند، اما می‌تواند قرینه‌ای بر نزدیکی عقاید او به زیدیه باشد.

## ۲-۱. جایگاه علمی و تألیفات

ابوالفرج اصفهانی در عصری می‌زیست که دوران طلایی علم و دانش در جهان اسلام بود. قرن سوم و چهارم عصر تسلط آل بویه بر جهان اسلام به همراه آرامشی نسبی بود. در آن عصر، بغداد مرکز دانش در سراسر جهان اسلام به شمار می‌رفت و ابوالفرج در این شهر رشد یافت.<sup>۵</sup> وی به چندین دانش عصر خود تسلط داشت و از نظر حافظه فوق‌العاده بود.<sup>۶</sup> ابوالفرج بر علوم همچون انساب، شعر، نحو، سیره، مغازی و حتی طب و نجوم احاطه داشت.<sup>۷</sup> اما آنچه بیش از همه بدان شهره است، تخصص وی در شعر و ادبیات عرب است. نشان این امر تألیف کتاب *الاعغانی* توسط اوست که در موضوع خود، از نظر حجم و تعداد اشعار، بی‌نظیر است. این اثر درباره سروده‌ها و ترانه‌ها و ترانه‌سرایان و اشعار و اخبار مربوط به آنان تألیف شده است.<sup>۸</sup> اهمیت این کتاب در آن است که به‌رغم اینکه موضوع کتاب مزبور شعر و ادب است، ولی دارای اخبار تاریخی مفصلی است که از این نظر، اهمیتی دوچندان دارد. اما از نقاط منفی این اثر آن است که در این کتاب اشعاری حاوی مفاهیم غیر اسلامی و فسق‌آلود به چشم می‌خورد. برای نمونه، ابن جوزی به برخی از این نکات اشاره کرده است.<sup>۹</sup>

۱. همان، ص ۲۰۷.

۲. همان، ص ۷-۸.

۳. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، تحقیق احمد صقر، ص ۵۶۵.

۴. محمدبن محمدبن نعمان مفید الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۳-۳۲۷.

۵. ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۳۰۷.

۶. همان؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۳۹۸.

۷. همان.

۸. آذرتاش آذرنوش، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۶ ص ۱۲۶-۱۲۸.

۹. ابن الجوزی، المنتظم، ج ۱۴، ص ۱۸۵.

به تصریح خود ابوالفرج، وی این کتاب را در طول پنجاه سال تألیف نمود و نسخه‌ای از آن را برای سیف‌الدوله، حاکم حمدانی فرستاد و هزار دینار جایزه گرفت.<sup>۱</sup>

ابوالفرج اصفهانی تألیفات متعددی دارد که بیشتر آنها از بین رفته است. ابن ندیم، عالم هم‌عصر ابوالفرج آثار وی را این‌گونه برشمرده است: ۱. کتاب *الأغانی الکبیر*؛ ۲. کتاب *مجرد الأغانی*؛ ۳. کتاب *اشعار الإسماء والممالیک*؛ ۴. کتاب *الحمادین*؛ ۵. کتاب *الديارات*؛ ۶. کتاب *صفة هارون*؛ ۷. کتاب *مقاتل آل أبي طالب (مقاتل الطالبین)*؛ ۸. کتاب *تفضیل ذی الحجّه*؛ ۹. کتاب *الاخبار والنوادر*؛ ۱۰. کتاب *أدب السماع*؛ ۱۱. کتاب *اخبار الطفیلین*؛ ۱۲. کتاب *أدب الغرباء من أهل الفضل والأدب*؛ ۱۳. کتاب *مجموع الآثار والأخبار*؛ ۱۴. کتاب *الفرق والمعیار*.<sup>۲</sup>

نکته جالب در این نقل آن است که ابن ندیم نام *مقاتل الطالبین* را *مقاتل آل ابی طالب* معرفی کرده است. به گفته خطیب بغدادی، ابوالفرج اصفهانی آثاری داشته که برای دولت اموی اندلس نگاشته و بدان‌جا ارسال نموده که امروز اثری از آنها باقی نمانده است.<sup>۳</sup> بررسی نام این کتب نشان می‌دهد ابوالفرج اصفهانی تألیفاتی غیر از آنچه ابن ندیم برشمرده،<sup>۴</sup> داشته است. نام برخی از این کتب عبارات است از:

۱. *نسب بنی عبد شمس*؛ ۲. *أیام العرب*؛ ۳. *التعدیل والانتصاف فی مآثر العرب ومثالها*؛ ۴. *جمهرة النسب*؛ ۵. *نسب بنی شیبان*؛ ۶. *نسب المهالبة*؛ ۷. *نسب بنی تغلب*؛ ۸. *نسب بنی کلاب*؛ ۹. *القیان*؛ ۱۰. *العلمان المعنین*.<sup>۵</sup>

در میان آثار و تألیفات ابوالفرج اصفهانی، *الاغانی*، *مقاتل الطالبین*، *ادب الغرباء* و *کتاب الديارات* باقی‌مانده و به چاپ رسیده است.<sup>۶</sup>

## ۲. بررسی محتوایی کتاب «مقاتل الطالبین»

### ۱-۲. انگیزه تألیف و شیوه پرداخت کتاب

هر نویسنده‌ای در نگارش یک کتاب، در پی دستیابی به هدفی است. ابوالفرج اصفهانی به انگیزه خود از نگارش *مقاتل الطالبین* اشاره کرده است. وی در مقدمه این کتاب می‌نویسد: این کتاب را به قصد معرفی برخی از بزرگان طالبی نگاشته که در پی فعالیت‌های سیاسی یا جهادها و قیام‌های عصر خود حضور داشته و کشته یا شهید شده‌اند.<sup>۷</sup>

۱. ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ۳، ص ۳۰۷.

۲. محمدین اسحاق ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۲۸.

۳. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۳۹۸.

۴. محمدین اسحاق ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۲۸.

۵. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۳۹۸.

۶. رسول جعفریان، منابع تاریخ اسلام، ص ۱۸۰.

۷. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، تحقیق احمد صقر، ص ۲۶-۲۷.

محدوده زمانی که *ابوالفرج* در بررسی زندگانی طالبیان مد نظر قرار داده، با توجه به تصریح خودش، از عصر نبوی تا زمان تألیف کتاب (سال ۳۱۳ق) است.<sup>۱</sup>

*ابوالفرج* به این علت که *جعفر بن ابی‌طالب* اولین شهید از نسل جناب *ابوطالب* است، کتاب خود را با معرفی وی آغاز کرده است.<sup>۲</sup> مؤلف در این کتاب به معرفی زندگانی ۲۱۶ تن از سادات طالبی پرداخته است. به تصریح خود نویسنده، بنای نگارش کتاب بر اختصار است.<sup>۳</sup> تعداد افراد از نسل جناب *ابوطالب* بیش از تعدادی است که در کتاب آمده است. از این رو *ابوالفرج* در مقدمه، به این نکته تصریح کرده که به معرفی ساداتی که روش و قیامشان دور از طریق اهل بیت علیهم‌السلام بوده، نپرداخته است.<sup>۴</sup>

همچنین وی در خاتمه کتاب تصریح می‌کند که تعداد طالبیانی که در حال قیام و فعالیت‌های سیاسی علیه ظلم بنی‌عباس بوده‌اند، بیش از این تعداد است، به‌ویژه ساداتی که در یمن و طبرستان حضور داشتند و به علت دوری راه و نبود امکانات، اطلاعی از اخبار آنان به دست مؤلف نرسیده است. از این رو وی در این کتاب متعرض احوال آنان نشده است.<sup>۵</sup>

فصل‌های کتاب بدین‌گونه سامان یافته که از عصر نبوی تا پایان عصر امویان، سادات طالبی به ترتیب تاریخ وفات، بررسی گردیده‌اند. اما بعد از آن، مؤلف در عصر خلافت بنی‌عباس، به بررسی و معرفی زندگی سادات در عصر هر خلیفه، پرداخته است. برای مثال، در عصر *منصور عباسی*، به معرفی نوزده تن از سادات طالبی پرداخته است. کتاب تا *عصر خلیفه مقتدر عباسی و طالبیان* هم‌عصر او سامان یافته است.

در بین این ۲۱۶ تن سادات طالبی، ۶۹ تن از سادات حسنی و ۴۱ تن از سادات حسینی هستند. جالب اینکه چهار تن از طالبیان مذکور در این کتاب از نسل حضرت عباس علیه‌السلام هستند که اسامی آنها عبارت است از:

۱. *ابراهیم بن محمد بن عبدالله بن عبیدالله بن الحسن بن عبدالله بن العباس بن علی*؛<sup>۶</sup>

۲. *محمد بن القاسم بن حمزة بن الحسن بن عبیدالله بن العباس بن علی*؛<sup>۷</sup>

۳. *محمد بن عبدالله بن محمد بن القاسم بن حمزة بن الحسن بن عبیدالله بن العباس بن علی*؛<sup>۸</sup>

۴. *محمد بن حمزة بن عبیدالله بن العباس بن الحسن بن عبیدالله بن العباس بن علی*.<sup>۹</sup>

۱. همان.

۲. همان، ص ۲۵-۳۵.

۳. همان، ص ۲۵.

۴. همان.

۵. همان، ص ۵۶۵.

۶. همان، ص ۵۲۶.

۷. همان، ص ۵۲۹.

۸. همان، ص ۵۴۳.

۹. همان، ص ۵۴۸.

همان گونه که ذکر شد، بنا به تصریح ابوالفرج، بنای وی در نقل اخبار بر اختصار بوده، ولی در این بین اخبار شانزده تن به صورت مفصل در این کتاب آمده است. این افراد عبارتند از:

۱. جعفر بن ابی طالب علیه السلام: ۲<sup>۱</sup>. امام علی علیه السلام: ۳<sup>۲</sup>. امام حسن علیه السلام: ۴<sup>۳</sup>. امام حسین علیه السلام: ۵<sup>۴</sup>. زید بن علی علیه السلام: ۶<sup>۵</sup>. محمد بن عبدالله بن عمر بن عثمان بن عفان: ۷<sup>۶</sup>. محمد بن عبدالله بن الحسن بن علی بن ابی طالب: ۸<sup>۷</sup>. ابراهیم بن عبدالله بن الحسن: ۹<sup>۸</sup>. عیسی بن زید بن علی علیه السلام: ۱۰<sup>۹</sup>. عبدالله بن اسحاق بن ابراهیم بن الحسن: ۱۱<sup>۱۰</sup>. یحیی بن عبدالله بن الحسن: ۱۲<sup>۱۱</sup>. محمد بن ابراهیم بن اسماعیل بن طباطبای: ۱۳<sup>۱۲</sup>. ابوالسرایا: ۱۴<sup>۱۳</sup>. امام رضا علیه السلام: ۱۵<sup>۱۴</sup>. محمد بن صالح بن عبدالله بن موسی بن عبدالله بن الحسن علیه السلام: ۱۶<sup>۱۵</sup>. یحیی بن عمر بن الحسن بن زید: ۱۶<sup>۱۶</sup>.

ابوالفرج به نقل اسناد گزارش بسیار پایبند است و از ویژگی های «مقاتل الطالبیین» اسناد کاملی است که در بیشتر نقل ها ذکر می شود. البته گاهی از این روش دور شده است؛ مثلاً، در بخش «امام حسن علیه السلام» گزارشی را بدون ذکر سند و تنها با عبارت «قال أبو مخنف عن رجاله»<sup>۱۷</sup> نقل کرده است. البته شاید بتوان گفت: به قرینه گزارش قبل از این نقل<sup>۱۸</sup> که با سند کامل آن را نقل نموده، روایان این گزارش نیز مشخص هستند. وی همچنین در برخی موارد، چند خبر را در هم آمیخته و آن را نقل کرده است. برای نمونه، مؤلف در بخش زندگانی حضرت امیر علیه السلام تصریح می کند: روایات مختلف را در این باب در هم آمیختم.<sup>۱۹</sup>

نیز در قسمت معرفی امام حسن مجتبی علیه السلام در خبر بیعت مسلمانان با امام بعد از شهادت حضرت امیر علیه السلام، چند

۱. همان، ص ۲۵-۲۵.
۲. همان، ص ۳۹-۵۷.
۳. همان، ص ۵۷-۶۴.
۴. همان، ص ۸۴-۱۲۳.
۵. همان، ص ۱۲۴-۱۴۵.
۶. همان، ص ۱۸۲-۲۰۴.
۷. همان، ص ۲۰۶-۲۶۲.
۸. همان، ص ۲۷۲-۳۳۱.
۹. همان، ص ۳۴۲-۳۶۳.
۱۰. همان، ص ۳۶۵-۳۸۷.
۱۱. همان، ص ۳۸۸-۴۰۶.
۱۲. همان، ص ۴۲۴-۴۳۸.
۱۳. همان، ص ۴۴۱-۴۵۳.
۱۴. همان، ص ۴۵۳-۴۶۱.
۱۵. همان، ص ۴۸۰-۴۹۰.
۱۶. همان، ص ۵۰۶-۵۲۱.
۱۷. همان، ص ۶۲.
۱۸. همان، ص ۶۱-۶۲.
۱۹. همان، ص ۴۲.



سلسله سند ذکر کرده و سپس گزارش را نقل نموده است.<sup>۱</sup> همچنین با همین روش در بخش مقتل امام حسین علیه السلام به نقل اخبار پرداخته است. *ابوالفرج* در این بخش نیز به این نکته تصریح می‌کند که روایات مختلف را در هم آمیخته و اخبار را نقل کرده است.<sup>۲</sup>

نکته دیگر اینکه مؤلف در مقتل *زید بن علی علیه السلام به نامه‌ای از استادش اشاره می‌کند که وی به او این اجازه را داده است تا چند روایت را در هم بیامیزد و یک خبر کامل نقل کند.<sup>۳</sup> به نظر می‌رسد *ابوالفرج* از جمله نویسندگانی است که در عصر تحول تاریخ‌نگاری از روش حدیثی به شیوه ترکیبی تغییر روش داده است. با این حال، توجه مؤلف به اسناد روایات موجب شده است در برخی جاها که تحلیل و نظر خود را بیان می‌کند، با عبارت «قال ابوالفرج» آن را بیان کند. وی با این کار، از اینکه نظراتش با اخبار و اسناد تاریخی مخلوط شود، جلوگیری کرده است. این یکی از امتیازات *مقاتل الطالبیین* محسوب می‌شود.<sup>۴</sup>*

نکته قابل ذکر دیگر اینکه در میان ساداتی که *ابوالفرج* آنان را معرفی کرده، نام *محمد بن عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان* به چشم می‌خورد. همان‌گونه که از نسب وی مشخص است، وی از سادات نیست، بلکه از نوادگان خلیفه سوم است. از این رو مؤلف متوجه این نکته بوده و در ابتدای بخش معرفی او، علت این امر را نزدیکی نسبی *محمد بن عبدالله* با سادات حسنی، از سمت مادری می‌داند و اینکه وی از هواداران طالبیان بوده است.<sup>۵</sup>

### ۳. نسخه‌شناسی

کتاب *مقاتل الطالبیین* اول بار در تهران به سال ۱۳۰۷ قمری به چاپ رسید. بعد از آن به سال ۱۳۵۳ قمری در نجف منتشر شد.<sup>۶</sup> این کتاب دوبار با تحقیق به چاپ رسید. اول بار *احمد صقر* این کتاب را به خوبی تحقیق نمود و در سال ۱۳۶۸ قمری در قاهره به چاپ رسید.<sup>۷</sup> بعد از آن بارها طبق همین تحقیق در لبنان و ایران منتشر شد. تحقیق دیگر توسط *کاظم المظفر* در سال ۱۳۸۵ قمری در نجف چاپ شد. جالب اینکه بخش «مقتل الحسن و الحسین» این کتاب با همین عنوان به تحقیق *مصطفی مرتضی قزوینی* در سال ۱۴۱۲ قمری در بیروت منتشر شد.<sup>۸</sup> قابل ذکر است که کتاب *مقاتل الطالبیین* دوبار به فارسی ترجمه شده است: ابتدا توسط *جواد فاضل* که با نام *فرزندان ابوطالب* در سه جلد، به همراه مقدمه‌ای مفید و نسبتاً مفصل از مترجم به سال ۱۳۳۹ شمسی در تهران

۱. همان، ص ۶۱.

۲. همان، ص ۹۹.

۳. همان، ص ۱۳۰.

۴. همان، ص ۳۲، ۳۸، ۴۲، ۴۷، ۶۴، ۱۰۴ و ...

۵. همان، ص ۱۸۲.

۶. آذرتاش آذرنوش، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۶ ص ۱۳۷.

۷. سیدمحمدحسین حسینی جلالی، فهرس التراث، ص ۳۹۸.

۸. همان.

منتشر شد. به‌رغم زحمت قابل تقدیری که مترجم محترم متحمل شده است، اما به تصریح خود ایشان،<sup>۱</sup> تمام اسناد در ترجمه حذف شده، که این امر کار را برای محقق تاریخ سخت می‌نماید.

پس از آن سیدهاشم رسولی محلاتی به سال ۱۳۴۹ شمسی این کتاب را ترجمه نمود که با مقدمه‌ای عالمانه و تصحیح و تحقیق علی‌اکبر غفاری، با عنوان *ترجمه مقاتل الطالبیین* در یک جلد در تهران به چاپ رسید. ترجمه دوم نسبت به ترجمه اول دقیق‌تر و عالمانه‌تر است. ویژگی ترجمه دوم این است که اولاً، توضیحاتی مفید و کارساز از محقق در این چاپ وجود دارد. ثانیاً، در ترجمه اشعار موجود در کتاب دقت بیشتری شده است. ثالثاً، اسناد گزارش‌ها، کاملاً حذف نشده، بلکه به تصریح مترجم، در سلسله اسناد، سند اول و انتهای روایت در ترجمه ذکر شده و باقی اسناد حذف گردیده است.<sup>۲</sup>

#### ۴. منابع ابوالفرج در تألیف «مقاتل الطالبیین»

از نقاط قوت *مقاتل الطالبیین* این است که *ابوالفرج اصفهانی* در تألیف این کتاب، از منابع متعددی بهره برده است، به‌ویژه اینکه برخی از این منابع امروز از بین رفته و تنها از طریق همین کتاب، نقل‌هایی از آنها به دست رسیده است.<sup>۳</sup> منابع این کتاب را می‌توان به دو دسته منابع «حدیثی یا شفاهی» و منابع «مکتوب» تقسیم نمود.

#### ۴-۱. منابع مکتوب

*ابوالفرج اصفهانی* در جای جای کتاب، به منابع مکتوب که در تألیف این کتاب از آنها بهره برده، اشاره کرده است. برخی از این منابع عبارت است از:

##### ۴-۱-۱. کتاب احمد بن حارث (الحرث) الخراز

با مراجعه به اسناد *ابوالفرج* در گزارش‌های *مقاتل الطالبیین* دو نام مشابه به چشم می‌خورد: ۱. احمد بن حارث خراز؛<sup>۴</sup> ۲. احمد بن حرث خراز.<sup>۵</sup>

*ابوالفرج* در اخبار «محمد بن قاسم بن علی» که در عصر معتصم عباسی قیام نمود، تصریح می‌کند که بخشی از این اخبار را از کتاب *احمد بن حارث* استنساخ نمودم.<sup>۶</sup> در این بین با استفاده از نشانه‌های ذیل می‌توان گفت: هر دو نام متعلق به یک تن است:

۱. ابوالفرج اصفهانی، فرزندان ابوطالب، ص ۱۳.

۲. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، مقدمه محقق، ص ۳-۶.

۳. آذرتاش آذرنوش، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۶ ص ۱۳۶-۱۳۷.

۴. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق احمد صقر، ص ۴۶۵ و ۵۴۷.

۵. همان، ص ۸۵.

۶. همان.

الف) در مواردی هر دو صفت «خراز» دارند.<sup>۱</sup>

ب) اینکه در چندین مورد/ احمد بن حرث از *ملائتی* نقل می‌کند.<sup>۲</sup> در دو مورد نیز/ احمد بن حرث ناقل از *ملائتی* است.<sup>۳</sup>

ج) در نسخه چاپ سال ۱۳۸۵ق که توسط «کتابخانه حیدریه نجف» با تحقیق کاظم مظفر به چاپ رسیده، مصحح کتاب در پاورقی آورده: احمد بن حرث همان احمد بن حرث است.<sup>۴</sup>

نام کامل وی احمد بن الحارث بن المبارک، ابو جعفر الخراز است. وی از موالی منصور دوانیقی - خلیفه عباسی - بود. ولی از نزدیکان [و ظاهراً از شاگردان] *ملائتی* به شمار آمده که کتب او را نقل نموده است. وی در سال ۲۵۸ قمری در بغداد درگذشته است.<sup>۵</sup>

منابع متعددی از روایات این راوی بهره برده‌اند؛ از جمله ابن ندیم از اینکه کتابی که به دستخط وی بوده و آن را خوانده است، نام می‌برد.<sup>۶</sup> ابن عساکر در *تاریخ دمشق*، قریب ۱۸ بار در سلسله اسناد گزارش‌ها، از وی نام برده است.<sup>۷</sup> جالب اینکه ابوالفرج تصریح می‌کند که از وجود چنین کتابی اطلاع نداشته، تا اینکه عیسی بن حسین آن را به وی داده<sup>۸</sup> و ابوالفرج از آن استنساخ کرده است.<sup>۹</sup> توجه ابوالفرج به کتاب احمد بن حرث قریب بیست مورد است که در اسناد گزارش‌های *مقاتل الطالبیین* به چشم می‌خورد.<sup>۱۰</sup>

## ۲-۱-۴. کتاب محمد بن جریر طبری

مؤلف در بخش «مقتل جعفر بن ابی‌طالب» اشاره می‌کند: اخبار این بخش را از کتاب *مغازی* محمد بن جریر که آن را بر وی خواندم و او صحت آن را تأیید کرد، نقل می‌کنم.<sup>۱۱</sup> این تعبیر نشان می‌دهد محمد بن جریر از استادان ابوالفرج بوده، و حال آنکه امروزه کتابی به نام *مغازی* از طبری برجای نمانده، جز همین گزارش ابوالفرج در *مقاتل الطالبیین*.

۱. همان، ص ۸۵ و ۴۶۵.
۲. همان، ص ۸۵ و ۹۴ و ۹۹.
۳. همان، ص ۲۱۲ و ۳۸۴.
۴. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق کاظم مظفر، ص ۸۲.
۵. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۴، ص ۳۴۵.
۶. محمد بن اسحاق ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۱۰۶.
۷. ابن عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۷، ص ۳۶؛ ج ۱۴، ص ۳۳ و ۲۶؛ ج ۱۸، ص ۴۴۱ و ...
۸. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق احمد صقر، ص ۳۳۴ و ۵۴۷.
۹. همان، ص ۳۷۲.
۱۰. همان، ص ۸۵، ۹۱، ۹۹، ۱۲۲، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۶، ۲۲۹، ۲۳۵، ۲۴۳، ۲۶۰، ۳۲۹، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۷۲، ۲۷۹، ۴۷۲.
۱۱. همان، ص ۲۹.

قابل ذکر است که ابوالفرج تنها در اخبار «مقتل امیرالمؤمنین علی علیه السلام»<sup>۱</sup> و «جعفر بن ابی طالب علیه السلام»<sup>۲</sup> از ابن جریر یاد می‌کند. بنابراین می‌توان حدس زد در تمام این موارد، منبع ابوالفرج کتاب مغازی ابن جریر طبری بوده است.

### ۳-۱-۴. کتاب ابن اسحاق

کتاب السیر و المغازی، معروف به سیره، تألیف محمد بن اسحاق بن یسار است که اصل آن از بین رفته، ولی متن مذهب آن توسط عبدالملک بن هشام، معروف به سیره ابن هشام به دست ما رسیده است. با این حال در سال‌های اخیر، این کتاب با استفاده از گزارش‌هایی که منابع متقدم از اصل آن آورده‌اند، بازسازی شده و به چاپ رسیده است. ابوالفرج در قسمت «اخبار جعفر بن ابی طالب»، با عبارت «قال ابن اسحاق» به نقل گزارشی از وی می‌پردازد.<sup>۳</sup> نکته اینکه ابوالفرج از طریق استاد خود، محمد بن جریر طبری از سیره ابن اسحاق، به نقل اخبار پرداخته است.<sup>۴</sup>

### ۴-۱-۴. کتاب محمد بن علی بن حمزه

ابوالفرج اصفهانی در بخش «اخبار جعفر بن ابی طالب» به این کتاب تصریح می‌کند و در این باره که چگونه به این کتاب دست یافته است، می‌گوید: «علی بن حسین بن علی بن حمزه بن حسن بن عبیدالله بن عباس بن علی بن ابی طالب کتاب عمویش محمد بن علی بن حمزه را به من داد و من از روی آن کتابت کردم»<sup>۵</sup>. با توجه به اینکه محمد بن علی بن حمزه از علویان بوده، از اخبار طالبیان به خوبی اطلاع داشته است. از این رو کتابی در این باره نگاشته است. صاحب دلائل الامامة در یکی از گزارش‌هایش از حضور محمد بن علی بن حمزه نزد امام جواد علیه السلام خبر می‌دهد.<sup>۶</sup> زرکلی از او با عنوان «بوعبدالله هاشمی» نام می‌برد و وی را از علمای حدیث می‌داند، به گونه‌ای که اخبار زیادی از خاندان و عموزادگانش نقل کرده است.<sup>۷</sup> از این رو توجه ابوالفرج به کتاب او زیاد بوده، به گونه‌ای که بیش از بیست مورد از آن نقل کرده است.<sup>۸</sup>

### ۵-۱-۴. کتاب هارون بن محمد بن عبدالملک الزیات

ابوالفرج اصفهانی در اسناد دو گزارش به نسخه‌برداری از کتاب هارون بن محمد با عبارت «نسخت من کتاب هارون

۱. همان، ص ۴۳ و ۵۳.

۲. همان، ص ۲۹ و ۳۱.

۳. همان، ص ۳۲.

۴. همان.

۵. همان.

۶. محمدبن جریر طبری، دلائل الامامة، ص ۴۰۷.

۷. خیرالدین زرکلی، الاعلام، ج ۶ ص ۲۷۲.

۸. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، تحقیق احمد صفر، ص ۸۴، ۹۱، ۹۸، ۱۲۴، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۷۴، ۲۰۳، ۴۱۲، ۴۱۸، ۴۴۱، ۴۵۴.

۴۵۷، ۴۵۹، ۴۹۶، ۵۴۷، ۵۵۲، ۵۸۶.

بن محمد بن عبد الملک الزیات» تصریح کرده است.<sup>۱</sup>

اول. در اخبار طالبیان عصر مهدی عباسی؛ یکی از آنها عیسی بن زید بن علی بن الحسین علیه السلام است. او فرزند زید بن علی بود که به تصریح ابوالفرج در قیام محمد بن عبدالله (نفس زکیه) حضور داشت.<sup>۲</sup>

دوم. در بخش اخبار احمد بن عیسی بن زید بن علی بن الحسین علیه السلام؛<sup>۳</sup> او در عصر متوکل می‌زیست.

توجه ابوالفرج به هارون بن محمد در آثار دیگر او نیز به چشم می‌خورد. برای نمونه وی در *الاعغانی* اخبار متعددی از طریق هارون بن محمد نقل می‌کند.<sup>۴</sup>

پدر هارون، محمد بن عبدالملک وزیر دربار دو خلیفه عباسی معتصم و واثق<sup>۵</sup> بود. وی دیوان شعری داشت که صاحب *النریعه* بدان تصریح کرده است.<sup>۶</sup> ظاهراً هنگامی که وزیر واثق بود، میان او و متوکل (برادر واثق) اختلافی پیشامد کرد. این مسئله موجب شد بعدها که متوکل به خلافت رسید، ابتدا مدتی او را به‌عنوان وزیر خود معین کند، ولی بعد از مدت کوتاهی وی را زندانی کرد و سپس دستور قتل وی را داد.<sup>۷</sup>

بنابراین ویژگی مهم هارون بن محمد این بود که در کنار پدرش که در آن دوره مشغول امور سیاسی بود، از نزدیک بسیاری از وقایع را مشاهده می‌کرد و همین اعتبار گزارش‌های وی را بالا می‌برد. این امر نشان از توجه زیاد ابوالفرج به منابع موثق آن دوره دارد.

#### ۶-۱-۴. کتاب ابومخنف

نام کامل وی لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف بن سالم الأزدی الغامدی<sup>۸</sup> است. جد او، مخنف بن سالم از اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام بود.<sup>۹</sup> خود ابومخنف از شیعیان و اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام، به‌ویژه امام صادق علیه السلام به شمار می‌آمد و از ایشان روایاتی نقل نموده است.<sup>۱۰</sup>

ابن ندیم قریب چهل کتاب از وی نام برده است.<sup>۱۱</sup> نیز نجاشی ۲۸ کتاب برای وی نقل کرده است؛<sup>۱۲</sup> از

۱. همان، ص ۳۴۷ و ۴۹۲.

۲. همان، ص ۳۴۳.

۳. همان، ص ۴۹۲.

۴. ابوالفرج اصفهانی، *الاعغانی*، ج ۱، ص ۹۳؛ ج ۲، ص ۳۳۳ و ۳۳۵ و ۳۳۷ و ۴۶۶؛ ج ۳، ص ۳۳ و ۳۴ و ۷۸ و ۲۲۸؛ ج ۴، ص ۳۰۳ و ۴۶۷؛ ج ۵، ص ۷۳ و ۱۲۸؛ ج ۶، ص ۲۹۳ و ۳۵۶ و ...

۵. محمد بن جریر طبری، *تاریخ طبری*، ج ۹، ص ۱۵۶.

۶. آقابزرگ تهرانی، *الذریعه*، ج ۹، ص ۹۹۹.

۷. محمد بن جریر طبری، *تاریخ طبری*، ج ۹، ص ۱۵۶.

۸. احمد بن علی نجاشی، *رجال*، ص ۳۲۰؛ محمد بن اسحاق ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۱۰۵.

۹. محمد بن اسحاق ابن ندیم، *الفهرست*.

۱۰. احمد بن علی نجاشی، *رجال*، ص ۳۲۰.

۱۱. محمد بن اسحاق ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۱۰۵-۱۰۶.

۱۲. احمد بن علی نجاشی، *رجال*، ص ۳۲۰-۳۲۱.

جمله: *مقتل امیرالمؤمنین*، *مقتل امام حسن*، *مقتل الحسین* <sup>۲</sup>

وی به سال ۱۵۷ قمری وفات نمود. *ابومخنف* از اولین مورخان است که در دانش «مقتل‌نگاری» فعالیت داشته است. *مقتل الحسین* او معروف‌ترین کتابی است که بعدها در میان شیعیان شهرت بسیار یافت. <sup>۴</sup>  
*ابوالفرج اصفهانی* در تألیف *مقاتل الطالبیین*، در موارد متعددی از کتب *ابومخنف* استفاده کرده است. در بخش‌های مربوط به امیرالمؤمنین <sup>۵</sup>، امام حسن <sup>۶</sup> و *مقتل الحسین* <sup>۷</sup> اصلی‌ترین منبع *ابوالفرج*، کتب *ابومخنف* است.

*ابوالفرج* از سه طریق از *ابومخنف* نقل می‌کند: (۱) از طریق *مدائنی*، شاگرد *ابومخنف*؛ <sup>۸</sup> (۲) از طریق *عمر بن سعد*؛ <sup>۹</sup> (۳) از طریق *هشام کلبی*. در *مقتل زید بن علی*، اخبار *زید* را بیان کرده است. <sup>۱۰</sup>

### ۷-۱-۴. کتاب *عمر بن شبه*

*ابوزید عمر بن شبه بن عبید بن ربیعه نمیری* از دانشمندان بصری و از موالی بنی‌نمیر بود. *ابن ندیم* وی را فقیه، اخباری، دارای طبع شعر و دقت در نقل روایات می‌دانست. <sup>۱۱</sup> وی به سال ۲۶۲ قمری در سامراء درگذشت. <sup>۱۲</sup> این دانشمند صاحب بیش از بیست کتاب است. <sup>۱۳</sup> معروف‌ترین اثر او که به‌دست ما رسیده، کتاب *اخبار المدینه* است. <sup>۱۴</sup> با توجه به اسناد گزارش‌های *ابوالفرج* در *مقاتل الطالبیین* این نکته به‌دست می‌آید که بیشتر روایات او در بخش سادات عصر بنی‌عباس، به *ابن شبه* می‌رسد. <sup>۱۵</sup> یکی از کتب *ابن شبه* کتابی است درباره اخبار *محمد بن عبدالله*

۱. همان.

۲. *محمد بن علی نجاشی*، همان؛ *محمد بن اسحاق ابن ندیم*، *الفهرست*، ص ۱۰۵-۱۰۶.

۳. *محمد بن احمد ذهبی*، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۷، ص ۳۰۱.

۴. کتاب او منبع اصلی مورخان سده‌های بعد از وی در بخش *مقتل امام حسین* است. بیشتر این نقل‌ها را طبری در تاریخ خود آورده است. رک: *محمد بن جریر طبری*، *تاریخ طبری*، ج ۵، ص ۳۸۲-۴۶۸. متأسفانه اصل این کتاب امروز به دست ما نرسیده است، ولی به وسیله نقل‌های منابع متعدد بعد از *ابومخنف*، با عنوان «وقعة الطف»، توسط مورخ معاصر، استاد *یوسفی غروی* اجیا گردید.

۵. *ابوالفرج اصفهانی*، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق *احمد صقر*، ص ۴۳.

۶. همان، ص ۶۲.

۷. همان، ص ۱۰۳.

۸. همان، ص ۹۲ و ۹۴ و ۱۰۲.

۹. همان، ص ۹۲ و ۹۵ و ۹۸ و ۹۹.

۱۰. همان، ص ۱۳۰.

۱۱. *محمد بن اسحاق ابن ندیم*، *الفهرست*، ص ۱۲۵.

۱۲. همان.

۱۳. همان.

۱۴. همان.

۱۵. *ابوالفرج اصفهانی*، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق *احمد صقر*، ص ۱۶۲-۱۶۵ و ۱۷۰-۱۷۹.

نفس زکیه و برادرش ابراهیم.<sup>۱</sup> با توجه به اینکه تقریباً تمام سلسله اسناد گزارش‌های این بخش *مقاتل الطالبیین* به ابن شبه می‌رسد، می‌توان گفت: *ابوالفرج* کتاب *ابن شبه* را در اختیار داشته و از آن در اخبار نفس زکیه استفاده کرده، هرچند به این موضوع تصریح نکرده است.<sup>۲</sup>

## ۲-۴. منابع شفاهی و حدیثی

همان‌گونه که ذکر شد، از نکات قابل توجه در *مقاتل الطالبیین* اسناد متعددی است که در اخبار نقل شده است. حتی در برخی گزارش‌ها، چند سلسله سند برای یک خبر نقل شده است. این موضوع کثرت منابع شفاهی *ابوالفرج* را نشان می‌دهد. جالب اینکه در بیشتر موارد، با الفاظی مثل «حدیثی»،<sup>۳</sup> «خبرنی»،<sup>۴</sup> «خبرنا»<sup>۵</sup> و «انشدنا»<sup>۶</sup> سلسله سند را آغاز کرده است. این امر نشان می‌دهد که اولاً، *ابوالفرج* شخصاً در محضر این راویان، حدیث را شنیده است و ثانیاً، اینکه بیشتر این راویان از استادان *ابوالفرج* بوده‌اند.

برخی از مهم‌ترین افرادی که *ابوالفرج* در تألیف *مقاتل الطالبیین* به‌عنوان منبع حدیثی و شفاهی از آنها استفاده کرده، عبارتند از:

- (۱) محمد بن علی بن عبدالرحمن الحسینی؛<sup>۷</sup> (۲) ابراهیم بن احمد بن محمد الطبری؛<sup>۸</sup> (۳) عبدالله بن حسین بن محمد فارسی؛<sup>۹</sup> (۴) محمد بن احمد بن مؤمل الصیرفی؛<sup>۱۰</sup> (۵) احمد بن محمد بن سعید همدانی؛<sup>۱۱</sup> (۶) علی بن عباس المقنعی؛<sup>۱۲</sup> (۷) محمد بن حسین خنعمی؛<sup>۱۳</sup> (۸) احمد بن محمد بن سعید؛<sup>۱۴</sup> (۹) محمد بن ابراهیم بن ابان السراج؛<sup>۱۵</sup> (۱۰) حامد بن محمد البلیخی؛<sup>۱۶</sup> (۱۱) محمد بن حسین اثنانی؛<sup>۱۷</sup> (۱۲) علی بن اسحاق بن عیسی مخزومی؛<sup>۱۸</sup> (۱۳)

۱. محمد بن اسحاق ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۲۵.

۲. آذرتاش آذرنوش، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۶ ص ۱۳۶.

۳. همان، ص ۳۴، ۴۱، ۵۷، ۷۷، ۸۶ و ...

۴. همان، ص ۵۶ و ۲۱۵.

۵. همان، ص ۴۵ و ۲۱۲.

۶. همان، ص ۵۰.

۷. همان، ص ۲۳.

۸. همان.

۹. همان.

۱۰. همان، ص ۲۶، ۳۴، ۷۷-۷۸، ۷۸-۷۹، ۸۰-۸۱.

۱۱. همان.

۱۲. همان، ص ۲۸، ۱۲۶، ۱۲۸ و ۲۱۴.

۱۳. همان، ص ۱۲۴، ۱۲۶-۱۲۸.

۱۴. همان.

۱۵. همان، ص ۳۹.

۱۶. همان، ص ۳۴.

۱۷. همان، ص ۳۵، ۴۰، ۹۰، ۹۲ و ۹۵.

۱۸. همان، ص ۴۰.

احمد بن جعد و شاء؛<sup>۱</sup> (۱۴) عبدالله بن محمد البغوی؛<sup>۲</sup> (۱۵) احمد بن محمد بن دلان الحشبی؛<sup>۳</sup> (۱۶) حبیب بن نصر المهلبی؛<sup>۴</sup> (۱۷) حسن بن محمد [بن احمد بن هیثم]؛ وی عموی ابوالفرج اصفهانی بود.<sup>۵</sup> (۱۸) محمد بن زکریا الصخاف؛<sup>۶</sup> (۱۹) محمد بن حسین خثعمی؛<sup>۷</sup> (۲۰) احمد بن عبدالله بن عمار؛<sup>۸</sup> (۲۱) ضحاک مشرقی؛<sup>۹</sup> (۲۲) حرمی بن ابی العلاء؛<sup>۱۰</sup> (۲۳) احمد بن شیبب؛<sup>۱۱</sup> (۲۴) عمر بن عبدالله العتکی؛<sup>۱۲</sup> (۲۵) محمد بن خلف بن وکیع؛<sup>۱۳</sup> (۲۶) حسن بن علی السلولی؛<sup>۱۴</sup> (۲۷) علی بن محمد بن علی بن مهدی العطار؛<sup>۱۵</sup> (۲۸) علی بن احمد بن حاتم؛<sup>۱۶</sup> (۲۹) محمد بن علی بن شاذان؛<sup>۱۷</sup> (۳۰) علی بن سلیمان الکوفی.<sup>۱۸</sup>

## ۵. نقاط قوت کتاب

۱. اصلی ترین ویژگی کتاب *مقاتل الطالیین* مستند بودن بیشتر نقل های این کتاب است. همان گونه که ذکر شد، ابوالفرج اصفهانی در نقل اخبار، اسناد را به طور کامل ذکر می کند. برای نمونه، ابوالفرج در بخش «مقتل زید بن علی»، سه طریق در نقل گزارش خود ذکر می کند:

[طریق اول]: حدثنی به محمد بن علی بن شاذان، قال: حدثنا أحمد بن راشد، قال: حدثني عمي أبوعمير سعيد بن خيثم؛

[طریق دوم]: و حدثنی علی بن العباس، قال: أخبرنا محمد بن مروان قال: حدثنا زيد بن المعذل النمری، قال: أخبرنا يحيى بن صالح الطيائسي، و كان قد أدرك زمان زيد بن علی؛

۱. همان، ص ۴۲-۴۳ و ۴۵.

۲. همان، ص ۴۲.

۳. همان، ص ۴۳ و ۵۳.

۴. همان، ص ۵۰.

۵. همان، ص ۵۶.

۶. همان، ص ۵۷ و ۲۱۲.

۷. همان، ص ۶۱.

۸. همان، ص ۷۶ و ۵۰۶.

۹. همان، ص ۸۸-۸۹.

۱۰. همان، ص ۸۹ و ۲۰۸.

۱۱. همان، ص ۹۴.

۱۲. همان، ص ۲۰۸-۲۱۰.

۱۳. همان، ص ۲۱۳.

۱۴. همان، ص ۱۲۵.

۱۵. همان.

۱۶. همان، ص ۱۲۹.

۱۷. همان.

۱۸. همان، ص ۵۰۸.



[طریق سوم] و حدثنی أحمد بن محمد بن سعید، قال: حدثننا المنذر بن محمد، قال: حدثننا ابي، قال: حدثننا هشام بن

محمد بن السائب الكلبي، قال: حدثننا ابو مخنف.<sup>۱</sup>

نکته مهم در این سند آن است که *ابوالفرج* در طریق دوم، با سه واسطه سند را به *یحیی بن صالح الطیانیسی* می‌رساند و تصریح می‌کند که وی زمان زید را درک کرده است.

۲. نقل اخبار از راویان و کتبی که امروزه اثری از آنها باقی نمانده، و به نوعی تنها واسطه اتصال این منابع به ما

در عصر حاضر، کتاب *مقاتل الطالبیین* است؛ مثل کتاب *عمر بن شبه* در نقل اخبار نفس زکیه.<sup>۲</sup>

۳. ویژگی دیگر این کتاب آن است که *ابوالفرج* گاهی اخبار خود را از کسانی نقل می‌کند که خود، شاهد واقعه

بوده‌اند؛ مثلاً، در اخبار *یحیی بن عمر بن الحسین* با یک واسطه، خبر را به راوی می‌رساند که او *یحیی* را دیده

است؛<sup>۳</sup> یا در اخبار *قیام ابوالسرایا*، سند را به *نصر بن مزاحم* می‌رساند که شاهد این قیام بوده است.<sup>۴</sup>

۴. نکته دیگر اینکه *ابوالفرج* نام مادر سادات طالبی را ذکر می‌کند. اگر مادر او معروف باشد، نام مادران وی را تا

چندین پشت ذکر می‌کند؛ مثلاً، در بخش *جعفر بن ابی طالب*، اجداد مادری *فاطمه بنت اسد*، مادر جناب *جعفر* را تا ده

نسل قبل به همراه نام مادر و پدر آنها نام می‌برد.<sup>۵</sup> این نشان از تبحر خاص *ابوالفرج* در علم انساب دارد.

## ۶. کاستی‌های کتاب

به‌رغم امتیازهای مهمی که *مقاتل الطالبیین* دارد، در برخی موارد، نقاط ضعف و کاستی‌هایی نیز دارد که به برخی از

آنها اشاره می‌شود:

### ۱-۶. بروز اندیشه‌های زیدی

آزاداندیشی و دوری از تعصبات مذهبی از ملزومات نویسندگی و پژوهش است. دخالت دادن انگیزه‌های مذهبی در

تألیف و نگارش، موجب گزینش‌هایی در نقل گزارش در منابع، به‌ویژه منابع تاریخی می‌شود. این امر جایی

مشکل‌ساز می‌شود که مورخ بنا به گرایش‌های مذهبی - درست یا غلط - به حذف برخی اخبار دست بزند و باعث

جلوگیری از انتقال حقایق تاریخی به نسل‌های بعد شود. متأسفانه این مشکل در منابع تاریخ اسلام به چشم

می‌خورد، به‌گونه‌ای که بیشترین ضربه را در این زمینه شیعیان متحمل شده‌اند.

در کتاب *مقاتل الطالبیین* نمونه‌هایی از این گزینش‌های نادرست - که به نظر می‌رسد ناشی از مذهب مؤلف

۱. همان، ص ۱۲۹-۱۳۰.

۲. همان، ص ۱۴، ۱۶۲-۱۶۵، ۱۷۰-۱۷۹، ۲۰۷؛ محمد بن اسحاق ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۲۵.

۳. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، تحقیق احمد صقر، ص ۵۲۱.

۴. همان، ص ۴۲۵.

۵. همان، ص ۲۶-۲۷.

آن است - مشاهده می‌شود. این گزینش‌ها در نقل اخبار، در نتیجه تأثیر مذهب مؤلف است - که به تحقیق زیدی بوده است.<sup>۱</sup> به نمونه‌هایی از این موضوع اشاره می‌شود:

الف) همان‌گونه که در سطور پیشین اشاره شد، بنا به تصریح *ابوالفرج اصفهانی*، اصل کتاب به اخبار سادات طالبی اختصاص دارد که به خاطر فعالیت‌های سیاسی و قیام‌ها کشته شده و یا در تبعید و فرار از دنیا رفته‌اند.<sup>۲</sup> این در حالی است که زیدی‌مذهبان «قیام به سیف» را از ویژگی‌های اصلی امام زمان خود می‌دانند.<sup>۳</sup> بزرگان زیدیه این ویژگی را در عمل به اثبات رسانده‌اند و همه آنها به نوعی در قیام یا فعالیت‌های سیاسی علیه حکومت بنی‌عباس شرکت داشته‌اند. بخش زیادی از *مقاتل الطالبیین* درباره بیان اخبار همین بزرگان زیدی است، به‌گونه‌ای که به گفته یکی از محققان، گویا هدف اصلی *ابوالفرج* از تألیف این کتاب، ذکر تاریخ ائمه و بزرگان زیدی بوده است.<sup>۴</sup>

*ابوالفرج* تصریح می‌کند که اخبار طالبیان را تا سال تألیف کتاب (۳۱۳ق) ذکر کرده است.<sup>۵</sup> ولی میان اخبار ائمه دوازدهگانه<sup>۶</sup> از امام جواد و امام هادی و امام حسن عسکری<sup>۷</sup>، گزارشی در این کتاب وجود ندارد. آخرین توجه *ابوالفرج* در میان ائمه<sup>۸</sup>، نقل اخباری از امام رضا<sup>۹</sup> و سبب شهادت ایشان به دست مأمون است.<sup>۶</sup> این امر می‌تواند شاهدی بر افکار زیدی مؤلف باشد.

ب) در *مقاتل الطالبیین* نکات مبالغه‌آمیزی در تمجید از بزرگان زیدی وجود دارد.<sup>۷</sup> در این زمینه چند نمونه ذکر می‌شود:

یک. *ابوالفرج* در بیان سرگذشت *عبدالله بن حسن بن حسن* (معروف به *عبدالله محض*) چنین تعبیر می‌کند:

و کان *عبدالله بن حسن* شیخ بنی‌هاشم و المقدم فیهم، و ذالکثیر منهم فضلاً و علماً و کرماً.<sup>۸</sup>

دو. *ابوالفرج* در ذکر اخبار *محمد بن عبدالله* (معروف به «نفس زکیه») چنین تعبیر می‌کند:

و کان من افضل اهل بینه و اکبر زمانه فی زمانه، فی علمه بکتاب الله و حفظه له و فقهه فی الدین و شجاعته و

جوده و بأسه و کل امر یجمل بمثله حتی لم یشک احد انه المهدی!<sup>۹</sup>

این اوصاف در حالی بیان شده است که *عبدالله محض* و *محمد بن عبدالله* در عصر امامت امام باقر و امام صادق<sup>۱۰</sup> می‌زیستند و به اعتقاد شیعیان اثناعشری کسی در فضایل بر آنان پیشی نمی‌گیرد. وجود چنین عباراتی نشان‌دهنده میزان تأثیر مذهب مؤلف در تدوین کتاب و نقل اخبار است.

۱. *ابوالفرج اصفهانی*، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، مقدمه محقق، ص ۷.
۲. *ابوالفرج اصفهانی*، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق احمد صقر، ص ۲۴-۲۵.
۳. *محمد بن محمد بن نعمان مفید*، *اوائل المقالات*، ص ۳۹.
۴. *ابوالفرج اصفهانی*، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، مقدمه محقق، ص ۷.
۵. *ابوالفرج اصفهانی*، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق احمد صقر، ص ۲۴.
۶. همان، ص ۴۵۳ و ۴۶۰.
۷. *ابوالفرج اصفهانی*، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، مقدمه محقق، ص ۷.
۸. *ابوالفرج اصفهانی*، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق احمد صقر، ص ۱۶۷.
۹. همان، ص ۲۰۷.

گذشته از این، گزارش‌های تاریخی نشان‌دهنده وجود نوعی رابطه غیر دوستانه و حتی خصمانه بین محمدبن عبدالله و پدرش (عبدالله محض) با امام صادق علیه السلام است.<sup>۱</sup>

## ۲-۶. کاستی‌های پراکنده و اشتباهات

همان‌گونه که خود مؤلف تصریح می‌کند، بنای وی در گزارش‌ها بر اختصار بوده است.<sup>۲</sup> ابوالفرج هرچه به انتهای کتاب نزدیک شده، به اختصار بیشتر به اخبار طالبیان پرداخته است و حتی گاهی تنها به ذکر نام شخص مد نظر، بسنده کرده است؛ مثلاً، در ذکر طالبیانی که در ایام خلافت معتمد عباسی کشته شدند، تنها نوزده تن از سادات طالبی را نام برده است.<sup>۳</sup> برای نمونه درباره علی بن ابراهیم از نوادگان امام حسین علیه السلام، تنها به ذکر نام وی و سبب قتل او اشاره کرده است:

علی بن ابراهیم بن حسن بن علی بن عبیدالله بن حسین بن علی؛ قتل بسر من رأی علی باب جعفر بن المعتمد و لایدری من قتله.<sup>۴</sup>

ولی با این حال در مواردی از این رویه اختصار دست برداشته و - همان‌گونه که ذکر شده - به نقل اخبار شانزده تن از سادات طالبی به تفصیل پرداخته است.

«نقل‌های دقیق» از ویژگی‌های این کتاب است. اما با این حال، نویسنده در برخی موارد گزارش‌های ناقصی در کتاب خود آورده است. در بررسی اخبار طالبیان عصر معتمد، نگارنده به برخی اشخاص اشاره کرده، ولی علت کشته شدن آنها را بیان نمی‌کند. برای نمونه دو تن از این طالبیان را ذکر می‌کنیم:

- و علی بن جعفر بن هارون بن اسحاق بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب؛

- و محمد بن عبدالله بن جعفر بن محمد بن عبدالله بن جعفر بن ابراهیم بن محمد بن علی بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب.<sup>۵</sup>

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، ابوالفرج تنها نام این دو شخص را ذکر کرده و مطلب دیگری نیاورده است. البته شاید گفته شود: اصل تألیف کتاب معرفی ساداتی بوده که فعالیت‌هایی علیه دشمنان داشته و در گذشته یا کشته شده‌اند؛ ولی می‌دانیم که علی بن جعفر از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام و محمد بن عبدالله از نوادگان جعفر بن ابی طالب علیه السلام هم در عصر معتمد، از جمله معتزضانی بودند که ابوالفرج نام آنها را ذکر کرده است. با این حال عدم اشاره به چگونگی درگذشت این دو شخص طالبی از کاستی‌هایی است که در کتاب به چشم می‌خورد.

از جمله نقایص کتاب این است که مؤلف به خاطر اختصار، در مواردی، حتی از ذکر اسناد گزارش‌ها خودداری

۱. محمد بن محمد بن نعمان مفید الارشاد، ج ۲، ص ۱۹۲.

۲. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، تحقیق احمد صقر، ص ۲۰۵.

۳. همان، ص ۵۳۶-۵۴۰.

۴. همان، ص ۵۳۷.

۵. همان، ص ۵۴۰.

کرده است. نمونه‌های مذکور در بالا، شاهدهی بر این مدعاست. این نمونه‌ها در بخش‌های انتهایی کتاب زیاد به چشم می‌خورد؛ مثلاً، در بخش‌های «ایام معتمد»،<sup>۱</sup> «ایام معتضد»<sup>۲</sup> و «ایام مقتدر»<sup>۳</sup> بیشتر اخبار سادات، بی‌سند بیان شده است.

ابوالفرج در برخی موارد، نقل‌هایی آورده که مطابق نظر مشهور اهل سنت است، نه علمای شیعه. برای نمونه:

۱. در قسمت اخبار امام حسن مجتبی‌علیه السلام وقتی به معرفی حضرت فاطمه زهراعلیها السلام می‌پردازد، تاریخ ولادت ایشان را پیش از بعثت می‌داند،<sup>۴</sup> و جالب اینکه سند این خبر را به امام صادقعلیه السلام می‌رساند. این در حالی است که مطابق نظر مشهور شیعه، حضرت فاطمه زهراعلیها السلام در سال پنجم بعثت متولد شدند.<sup>۵</sup>

۲. در خبر شهادت امام حسنعلیه السلام وقتی به تشییع جنازه امام می‌رسد، می‌نویسد: امام حسینعلیه السلام سعید بن عاص را در امامت نماز میت بر امام حسن مجتبیعلیه السلام به سبب بیشتر بودن سن، بر خود مقدم داشت! «ان الحسین بن علی قدم سعید بن العاص لصلاة علی الحسن بن علی، و قال: تقدم فلولا انها سنة ما قدمتك».<sup>۶</sup> روشن است که این دو نقل با آنچه مورخان مشهور شیعه نقل کرده‌اند<sup>۷</sup> و نیز با اعتقاد مشهور شیعه - که نماز میت هر امام را امام بعد از او می‌خواند<sup>۸</sup> - ناسازگار است.

۳. ابوالفرج در قسمت اخبار حضرت عباسعلیه السلام می‌نویسد: او بزرگ‌ترین فرزند ام‌البنین بود. وی برادران خود را در روز عاشورا جلوتر از خود به میدان فرستاد؛ چون آنان نسلی نداشتند و عباسعلیه السلام می‌خواست وارث آنها شود!<sup>۹</sup> این نقل از شأن شخصیتی همچون عباس بن علیعلیه السلام که مظهر شجاعت و جوانمردی است، به دور است.<sup>۱۰</sup> البته در توجیه این نقل، محققان معاصر نکاتی بیان کرده‌اند؛ از جمله امکان وجود تصحیف در گزارش مذکور؛<sup>۱۱</sup>

۱. همان، ص ۵۳۶-۵۴۰.

۲. همان، ص ۵۴۲-۵۴۳.

۳. همان، ص ۵۵۰-۵۶۴.

۴. همان، ص ۵۹.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۵۷؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۳، ص ۳۵۷.

۶. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، تحقیق احمد صقر، ص ۸۳.

۷. محمد بن محمد بن نعمان مفید الارشاد، ج ۲، ص ۱۸-۱۹.

۸. در این باره میان علمای شیعه اختلاف نظر وجود دارد. علمای بزرگ شیعه به وجود این باور میان شیعیان تصریح می‌کنند (علی بن حسین مسعودی، اثبات الوصیة، ص ۲۱۷ - ۲۱۸؛ محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۶۳-۴۶۴؛ محمد بن علی صدوق، عیون اخبار الرضاعلیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۶؛ محمد بن جریر طبری، دلائل الامامة، ص ۱۶۳؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۸۸-۲۹۱)؛ اما علامه شعرانی (از علماء معاصر) این باور را از اعتقادات اخباریان متأخر می‌داند (ر.ک: ابوالحسن شعرانی، دمع السجود فی ترجمه نفس المهموم، ص ۴۶۷).

۹. درباره این گزارش و تحلیل آن، محقق معاصر، استاد حجت‌الاسلام شیخ مهدی پیشوایی بحث جامعی ارائه نموده است (ر.ک: مقتل جامع سیدالشهداء، ج ۲، ص ۵۶۷-۵۷۴).

۱۰. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، تحقیق علی اکبر غفاری، مقدمه محقق، ص ۷.

۱۱. باقر شریف قرشی، العباس بن علی، ص ۲۰۵.

تلاش حضرت عباس علیه السلام برای رسیدن به پاداش صابران در مصیبت شهادت برادرانش؛<sup>۱</sup> و اینکه چون برادران حضرت عباس علیه السلام فرزند نداشتند، ایشان با این کار می‌خواست وارث برادرانش باشد و بدین‌روی اموال آنان از دستبرد امویان در امان بماند.<sup>۲</sup>

## ۶. نکته

بنابر تصریح *ابوالفرج اصفهانی* در مقدمه<sup>۳</sup> و پایان کتاب،<sup>۴</sup> وی *مقاتل الطالبیین* را در طول یک ماه (جمادی‌الاولی سال ۳۱۳ق) نگاشته است. گردآوری این کتاب با این‌همه اطلاعات جزئی و مفصل و در این مدت کم، نشان از نبوغ و تبحر نویسنده دارد، که با این حال بروز اشکالات و کاستی‌های آن تا حدی قابل توجیه به نظر می‌رسد.

## نتیجه‌گیری

۱. کتاب *مقاتل الطالبیین* یکی از آثار ماندگار در موضوع خود به شمار می‌رود که به‌دست ما رسیده است.
۲. *مقاتل الطالبیین* به سبب جایگاه علمی مؤلف آن و پابندی به ذکر اسناد و دقت در نقل گزارش‌ها، در مجموع، کتابی متقن و مورد اعتماد بزرگان و علماء شیعه در طی قرون قبل بوده است.
۳. شیوه کتاب به نوعی ترکیبی است. در بیشتر موارد، حدیثی بوده، ولی در مواردی نیز با ترکیب چند خبر به نقل مطالب پرداخته است.
۴. اهمیت این کتاب از این نظر دوچندان می‌شود که واسطه انتقال بخش زیادی از اخبار و کتبی است که امروز اثری غیر از نقل‌های *مقاتل الطالبیین* از آنها باقی نمانده است.
۵. *ابوالفرج* در نقل بیشتر مطالب تاریخی، گزارش‌ها را حضوراً از استادان خود شنیده و آنها را نقل کرده است.
۶. در کنار این ویژگی‌ها، برخی از اشتباهات تاریخی و نقاط ضعف در این کتاب به چشم می‌خورد که ذکر آنها در متن گذشت.
۷. گذشته از این، تأثیر گرایش مذهب زیدی *ابوالفرج* در *مقاتل الطالبیین* به وضوح به چشم می‌خورد که این مطلب باید در مطالعه این کتاب و نقل اخبار ساداتی که نزد زیدیه جایگاه بالایی دارند، لحاظ شود.

۱. عبدالرزاق مرقم، قمر بنی هاشم، ص ۲۰۶.

۲. عبدالواحد مظفر، بطل العلقمی، ص ۱۹۶-۱۹۷.

۳. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، تحقیق احمد صقر، ص ۲۴.

۴. همان، ص ۵۶۵.

## منابع

- آذرنوش، آذرتاش، «ابوالفرج اصفهانی»، در: *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، به کوشش کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۳.
- آقابزرگ تهرانی، محمدحسن، *الذریعة إلى تصانیف الشیعة*، تهران، اسلامیه، ۱۴۰۸ق.
- ابن اثیر، علی بن ابی‌الکریم، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد، *المستطعم فی تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ق.
- ابن خلکان، احمدبن محمد، *وفیات الأعیان وأنباء أبناء الزمان*، بیروت، دار الثقافة، بی‌تا.
- ابن داود حلّی، حسن بن علی، رجال، تحقیق سید محمدصادق آل بحر العلوم، ۱۳۹۲، قم، منشورات الرضی، ۱۳۹۲ق.
- ابن شهر آشوب، محمدبن علی، *معالم العلماء*، نجف، المطبعة الحیدریة، بی‌تا.
- \_\_\_\_\_، *المناقب*، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.
- ابن عساکر، علی بن حسن، *تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق علی شبیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *البداية و النهاية*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ق.
- ابن ندیم، محمدبن اسحاق، *الفهرست*، تحقیق رضا تجدد، بی‌تا، بی‌جا.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، *الاعانی*، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۱۵ق.
- \_\_\_\_\_، *فرزندان ابوطالب (مقاتل الطالبیین)*، ترجمه جواد فاضل، تهران، کتابفروشی علی اکبر علمی، ۱۳۳۹.
- \_\_\_\_\_، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق احمد صقر، بیروت، اعلمی، ۱۴۲۷ق.
- \_\_\_\_\_، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق علی اکبر غفاری، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، کتابفروشی صدوقی، ۱۳۵۰.
- \_\_\_\_\_، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق کاظم مظفر، نجف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ق.
- ابومخنف، لوط بن یحیی ازدی کوفی، *وقعة الطف*، تحقیق محمدهادی یوسفی غروی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
- احمدی، علی «مرویات ابن عقده در مقاتل الطالبیین»، ۱۳۹۵، *کتابنگار*، ش ۳ و ۲، ص ۱۱۱-۱۲۲.
- انجم شعاع، آذر و همکاران، «تاریخ‌نگاری ابوالفرج اصفهانی در مقاتل الطالبیین»، ۱۴۰۱، *تاریخ و تمدن اسلامی*، ش ۴۰، ص ۵۵-۷۸.
- جعفریان، رسول، *منابع تاریخ اسلام*، قم، انصاریان، ۱۳۷۶.
- حسینی جلالی، سیدمحمدحسین، *فهرس التراث*، قم، دلیل ما، بی‌تا.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، *معجم الادباء*، مصر، دارالمأمون، بی‌تا.
- خطیب بغدادی، احمدبن علی بن ثابت، *تاریخ بغداد*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
- ذهبی، محمدبن احمد، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق علی ابوزید، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق.
- رفت، محسن و محمدکاظم رحمان ستایش، «روایات عاشورایی مقاتل الطالبیین ابوالفرج اصفهانی در میزان نقد و بررسی»، ۱۳۹۴، *علوم حدیث*، ش ۷۶، ص ۱۶۰-۱۸۹.
- زرکلی، خیرالدین، *الأعلام*، ط. الثامنة، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۹م.
- صدوق، محمدبن علی، *عیون اخبار الرضا*، تصحیح حسین اعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ق.
- طبری، محمدبن جریر، *دلائل الامامة*، قم، بعثت، ۱۴۱۳ق.
- طبری، محمدبن جریر، *تاریخ الأمم والملوک (تاریخ الطبری)*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ط. الثانية، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ق.
- طوسی، محمدبن حسن، *اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)*، تصحیح حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.
- \_\_\_\_\_، *الفهرست*، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ق.

- عادل، پرویز، «ابوالفرج اصفهانی و ترجمه مقاتل الطالبیین»، ۱۳۸۷، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا.
- قرشی، باقر شریف، العباس بن علی راند الفداء و الكرامة فی الاسلام، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
- قمی، شیخ عباس، نفس المهموم (دمع السجوم فی ترجمه نفس المهموم)، ترجمه ابوالحسن شعرانی، قم، هجرت، ۱۳۸۱.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۲.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج دوم، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیة للامام علی بن ابي طالب علیه السلام، قم، انصاریان، ۱۴۱۷ق.
- مظفر، عبدالواحد، بطل العلقمی، قم، شریف رضی، ۱۳۷۱.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- \_\_\_\_\_، أوائل المقالات فی المذاهب والمختارات، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
- مقتل جامع سیدالشهداء علیه السلام، زیر نظر مهدی پیشوایی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱.
- مقرم، عبدالرزاق، قمر بنی هاشم العباس بن امیر المؤمنین علی بن ابي طالب علیه السلام، نجف، مطبعة الحیدریة، ۱۳۶۹ق.
- نجاشی، احمدبن علی، رجال النجاشی، قم مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی